

مصلح و پیشوا فرار نمی کند، از آزار بدخواهان
متزلزل نمی شود، زندان سمتکاران برایش
ریاضت، تبعیدش سیاحت و
کشتارش شهادت است.

سید جمال الدین "افغانی"

سال اول، شماره سوم

چهارشنبه ۸ حمل ۱۳۹۷ * ۲۸ مارچ ۲۰۱۸

پیام حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان به مناسبت حمله انتحاری روز نو روز در سرک دانشگاه کابل

سال تعلیمی با نواختن زنگ مکتب توسط رئیس جمهور غنی آغاز شد.



با نواختن زنگ مکتب توسط جناب رئیس جمهور مکاتب کشور سال تعلیمی ۱۳۹۷ را آغاز نمودند. باید اذعان داشت که سال جدید تعلیمی در حالی آغاز می شود که حداقل ۵۰ فیصد مکاتب کشور با وجود سیل کمک های خارجی بدون ساختمان است. تهدیدات امنیتی بصورت جدی وجود داشته و دهها هزار طفل، نوجوان و جوان ما اعم از پسر و دختر سالهاست که از تحصیل باز مانده اند. هنوز که هنوز مکاتب خیالی وجود دارد.



امیدواریم در سال جاری توجه بیشتر به معارف کشور صورت گیرد، زیرا اینها آینده سازان کشور ما هستند.

خواهر، برادر! با تأثر و تأسف دیگر بار انتحارگران، بی گناه مردمی را و مردمی بی گناه را طعمه حریق انفجار ساختند. نمرود وار، خلیل یان عصر را با منجینق های مدرن امروز در کام امواج شعله آتش انداختند تا اشتهای آدم خواری شان اشباع گردیده و ابلیس خوئی شان را به کمال رسانیده باشند. این مغز های لزج بوی ناک، آکنده از عجز و ناتوانی و با فکر های زبون و پست، بیزار از آفتاب و ملول از هوای خشک، تکه های گوش را در فضا به رقص آورده و زمین را از خون آدمیان، سرخ و رنگین ساختند. این "پر فریب خورده گان یاقوه فروش دوره گرد" می گویند: که "انتحار رسالت است برای اینکه کور خوانده و اسیر توطئه ها شده اند، دریغ نه تنها ادای رسالت اسلامی که اعمال ددمنشانه اینها ضلالت و گمراهی مضاعف بوده، قساوت، بی رحمی و وحشی گری می باشند. شگفتا! این چه رذالت و خباثت است که آدمی با اختیار و باهمنه فریب خوردگی و حماقت و ظاهراً برای تقرب الی الله شمع حیات دسته ای از آدم های دیگر را خاموش سازند. نو عروسان را به سوگ شوهرانشان نشانیده و مادران را در ماتم پسران شان عزا دار ساخته و فرزندان را در فقدان پدرانش خنجر به قلب و آتش به جگر کرده اند. آری! هرزه کاری ها در این دل مرده گان از حد گذشته که انفجار و انتحار را برای تطبیق شریعت ممدوح پنداشته مرضای پروردگار و ممضی الهی می خوانند یعنی "خواجه پندار که طاعت می کند" غفلتاً بر خویش لعنت می کند چه غفلتی که شیطان سیرتان با کشتن انسان عزم تطبیق شریعت را دارند؟! ماضن محکوم ساختن این حادثه دل خراش از دولت می خواهیم که در قبال آدم خواران تروریست رنج مبارزه بسی عمیق را بر خویش هموار ساخته واز مردم می خواهیم که با هوشیاری، پاسدار وحدت ملی شان باشند. برای خانواده شهدا اجر جمیل و صبر جزیل را خواهانم.

به امید روزی که برای رشد استعداد های جوانان ما مانعی وجود نداشته باشد.

انتخابات روزنه امید برای آینده

سخنی از حاما

همین لحاظ است که بجز همین دوحزب موجود (دموکراتها و جمهوریخواهان) که از سالها به اینطرف قدرت کشور را در دست می گیرند، حزب دیگری نمی تواند به موقعیت و موقفی دست یابد. (اگرچه نمیتوان رشد گروه های همسو را نادیده گرفت) مردم برنامه های کاندیدان را مورد ارزیابی قرار میدهند و از همین روست که در هر دور انتخابات فیصدی رای حزبی کاهش می یابد. با تاسف انتخابات در کشور ما بجای اینکه هر دور نسبت به دور سابق بهتر شود، بدتر می شود، زیرا مبنای استفاده از رای مسایل قومی، حزبی و بدتر از همه اقتصادی است، که این یکی، زمینه ساز انواع مفاسد اجتماعی است که عملاً ما آنرا در کشور خود می بینیم.

در روزگاری که ما زندگی می کنیم زعیم کشور ها به شمول اعضای مجالسی که در هر کشور معمول است با رای مردم آن کشور تعیین می گردند. در اکثر کشور ها نقش احزاب در انتخابات برجسته بوده و انتخابات بر مبنای حضور احزاب برگزار می گردد. با آنهم امروز با توجه به بالارفتن سطح آگاهی و دانش سیاسی مردم در بعضی از کشور ها استفاده از حق رای بر مبنای روابط شخص با حزب نیست، بلکه مردم می بینند که افراد با چه برنامه ای وارد میدان کارزار انتخابات گردیده و برنامه اش را چگونه ارائه می کند. بر همین مبناست که گفته می شود مردم امریکا غیر سیاسی ترین مردم دنیاست و از

زن و افتخارات انسانی و ملکوتی او!

نگارش عبدالقیوم فدوی

بیش نمی دانند، حتی پس از فوتش نیز از او دست بردار نیستند. با تکثیر و گسترش نسل آدمی زادگان مجبور گردیدند تا از یک نقطه به نقطه دیگر کره زمین مهاجرت نمایند و در مسیر جابجائی ها، بین آنان بر سر تسخیر و تصاحب نقاط خوش آب و هوا و زمین های حاصلخیز زراعتی، گاهی درگیری ها و تصادمات خشونتبار و خونینی نیز به وقوع می پیوست و هر کس به تناسب زور بازو، قدرت و مهارت شمشیر زدن، هدف گیری با تیر، کمان و نیزه خود، دیگران را زیر تأثیر و در حوزه حاکمیت و سلطه قدرت خود قرار می دادند. اینجا بود که زور و قدرت در بین آدمی زادگان حرف اول و سرنوشت ساز را می زد که سرانجام خانم ها به هیچ وجه حاضر نمی شدند در این زورگوئی ها شرکت ورزند و بالاخره کم کم به

چکیده:
زن انسان است، انسانی متعهد و مسئول، زن کلید دار دروازه بهشت است، زن مربی ایست که انسان تربیت می کند، در دوران جاهلیت اعراب وقتی در خانه ای دختر به دنیا می آمد، آن را مایه ننگ و ذلت می دانستند و نوزادش را زنده بگور می سپردند!! بازماندگان وهابی - سلفی همان جاهلان امروز نیز زن را شریک شیطان و عامل انحراف مردان قلمداد می کنند!! سلفی های مصر هم گستاخی شان را در برابر قشر زن به حدی رسانده اند که جواز «همبستر شدن بدرد» پس از فوت زن را نیز به پارلمان مصر پیشنهاد کرده اند!! انحراف اندیشان سلفی وهابی که زن را نه انسان و برخوردار از حق و حقوق انسانی، بلکه وسیله ای

ادامه صفحه ۴

ابوالحسین یاسر

رئیس حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان

ریاست جمهوری اشرف غنی؛ محصول مغز های خلاق اساتید دانشگاه کشور

محمد عیسی سروش

پاره اول
آدمی اگر به گذشته خود باز بینی و بازنگری ننماید نمیتواند اشتباهات خود را اصلاح و به تصحیحش همت گمارد. آدمیان نسبت به اعمال گذشته خویش به دسته های مختلف تقسیم می شوند. دسته ای نمیدانند چرا به ایام های سپری شده مراجعه کنند، اینها معذورانند. عده ای دیگر نمیخواهند به گذشته خویش بازگشت کنند آنچه را که انجام داده اند چه درست و چه غلط همه اش را منطقی و موجه می پندارند. اندیشه و افکار اینها در مرور ایام، دچار تحول و دیگر دیسی نمی شوند، و برای همیشه ثابت است و همه آن چه را که انجام داده به صحتش یقین دارند، اینها مبتلا به بیماری روانی دگم و جزم اندیشی می باشند. گروهی دیگر روی دفتر اعمال سپری شده و کتاب تدوین شده ای سرنوشت گذشته

ادامه صفحه ۲

سخنی با خواننده

نوروز

پیام آور طراوت و شادابی

یا

خون و دهشت؟

یکبار دیگر دستان ناپاک شیاطین، از آستین جهال قرن بیرون آمده و در نخستین روز سال نوو بهار طبیعت جان دهها هموطن ما را در کابل گرفت و صدها خانواده را در این روز داغدار ساخت. هزاران لعنت و نفرین بر این جنایت کاران و حامیان ددمنش شان و کسانی که با کمال بیشرمی این گونه جنایات را توجیه شرعی می کنند.

ضمن عرض تسلیت به خانواده های شهدا و آرزوی صحت کامل و عاجل مجروحین این حمله دد منشانه، حرکت اسلامی متحد افغانستان خود را شریک غم تک تک هموطنان عزیز خود میدانند.

آری! خفاشان کور دل با برداشت غلطی که از دین دارند در برابر تجلیل از این روز باستانی و زنده شدن طبیعت موضع خصمانه گرفته و چنان با شدت و حدت سخن میگویند که گویا تجلیل از نوروز بنیاد دین مقدس اسلام را از بین خواهد برد. نه تنها تجلیل از نوروز بلکه در این روز لباس نو و پاک پوشیدن، عیادت از مریضان، به تفریح و دیدن سبزه زارها پرداختن، همه را حرام قطعی میدانند و تنها مدرکی را که بیان می کنند همان حدیث مبارکی است که پیامبر عزیز اسلام تنها دو عید را معرفی کرده اند. و هیچکدام هم گفته نمی توانند که وقتی پیامبر «ص» این دو عید را معرفی کرد در باره نوروز چه گفت؟

آنچه مسلم است این است که پیامبر عزیز اسلام در مورد این روز و ممانعت از تجلیل آن چیزی نگفته اند، از طرفی باید اذعان داشت که تجلیل از این روز، یعنی تشکیل اجتماعات و بیان احکام الهی و تحلیل مسایل جاری کشور، عیادت مریضان، ارج گذاری به بزرگان و خبرگیری از ایشان، لباس نو و پاک پوشیدن در دین مقدس اسلام نه تنها مانعی در برابر آن وجود دارد بلکه نسبت به همه موارد فوق تاکید به عمل آمده و برای هر یک ثواب و پاداش قایل گردیده است. دین مقدس اسلام اینگونه سنت های پسندیده را نه تنها منع نکرده بلکه بر همه آن ها صحنه گذاشت و مهر تایید نهاده است.

نمونه بارز آن در زمان حیات پیامبر «ص» تایید منع جنگ در ماه های حرام و پرداختن صد شتر به عنوان دیه قتل انسان که از دوران جاهلیت و قبل از اسلام بود می باشد و موارد دیگر.....

اما افراطیت کور و جهال خون آشام در این ارتباط با جاهلیتی بدتر از دوران قبل از اسلام موضع گرفتند و با حمله انتحاری این روز خجسته و میمون را به دهشت و قتل و خون تبدیل کردند.

سوال ما این است که: در همین روز همزمان در مناطق دیگری از کابل نیز محافلی به منظور تجلیل از سال نو و فرارسیدن بهار تشکیل شده بود مثل قرغه، تپه وزیر اکبر خان، باغ بابر، و.... چرا این همه مورد حمله قرار نگرفته و تنها مراسمی که در منطقه ای بنام سخی برگزار شد مورد حمله وحشیانه قرار گرفت؟

گرچه عکسی که از انتحار کننده پخش شد، نشان میدهد که این جنگ با کی ها است! داعش عکس این ناپاک را پخش نموده و تقبل الله می گوید، و علاوه بر آن کسانی هم هست که حمایت خود را از آنها بیان داشته و اینگونه حملات وحشیانه را برخلاف موازین شرعی و اسلامی حمله های استشهادی می خوانند.

اما با تاسف کاری که دولت در این زمینه انجام میدهد این است که: تعداد و ارقام شهدا و زخمی ها را کم می گویند و دیگر هیچ.

ما این جنگ را علیه مردم و طبقه خاص ندانسته بلکه برضد مردم افغانستان و برضد انسانیت و اسلامیت میدانیم و بردو مورد ذیل تاکید می نمایم:

۱- بزرگان کشور اعم از علما و دانشمندان، مسوولین احزاب سیاسی و شخصیت های مستقل، استادان دانشگاه ها همه دست بدست هم داده و تلاش نمایند که با کمک مردم و همراهی نیروی های امنیتی این خط دهشت و ترور را بشکنند. زیرا حساب این جنگ و این حملات تروریستی و دهشت با پیشنهاد صلح و میانجیگری های بی خاصیت حل نخواهد شد و این جنگ فقط و فقط به یک استراتژی نیاز دارد آن: «کلوخ انداز را پاداش سنگ است»

۲- از دولت تقاضا می نمایم که در این زمینه دست به اقدام جدی و قانونی بزنند. مثلاً توسط خون آشامی ترور صورت می گیرد، دهها انسان به شهادت میرسند، اما کسانی هستند که تحت حمایت دولت زندگی می کنند و اینگونه وحشی گری را توجیه شرعی نموده و از آن حمایت می کنند. باید اینگونه افراد دستگیر و به پنجه قانون سپرده شوند.

ما امید داریم که دولت در مورد تامین امنیت شهروندان در این سال نو و بهار جدید که نخستین روزش را دشمنان انسانیت به ماتم تبدیل نمودند با اتخاذ استراتژی جدید و کار آ، به میدان آمده و دست گمراهان و جهال را از کشور کوتاه گردانند. در غیر آن ما یقین داریم که با ادامه این وضع مردم بالاخره به تنگ آمده خود دست بکار خواهند شد و آنگاه کشور یکبار دیگر همچون گذشته ها گرفتار بحرانی خواهد شد که دیگر توان تامین امنیت از همه گرفته شده و اعتماد نسبی که تاهنوز وجود دارد آنها هم از بین خواهد رفت و از کوچه کوچه های شهر و ده ما سیل خون جاری خواهد شد و یقیناً تقصیر آن بدوش کسانی خواهد بود که به وظایف خود عمل نکردند.

ریاست جمهوری اشرف غنی ...

خویش به عزم اصلاح و به قصد عبرت آموزی عملیه تصحیح، ویرایش و نقد را انجام می دهند. این گروه گروهی خجسته، میمون و مبارک می باشند (اصحاب الیمین ما اصحاب الیمین) اینها هستند که خود را مقام برجسته و آسمانی لایستل ممایفعل نشمرده و میدانند که در دنیا روند و لا تکنواکالتی نقضت غزلها من بعد قوت انکائاً جاری است و آدمی همان " کل نفس بما کسبت رهینه " می باشد.

اشرف غنی احمد زی در جنب کمپاین های ریاست جمهوری خویش ویژه نامه ای داشت که شاید خیلی ها این ویژه نامه را داشته باشند. این ویژه نامه با امضای بیش از صد نفر اساتید دانشگاه به نشر رسید. وای بسا چهره های فرهیخته ای دانشگاهی سخنان سود مندی هم در آنجا در باره ابعاد شخصیت اشرف غنی گفته

باشند، حتی ستایش، تمجید و نوشتن موضوعات عاطفی منحیت تملق در آنجا گنجانیده شده است. بهر حال وقتی این ویژه نامه به دست هر آدم این سرزمین میرسید با خود می گفت که نظامی های فاشیستی و استبدادی چند ساله صد قومی و نژادی پایان یافته و آرزوهای مشروطه خواهان تحقق پیدا کرده است. خون مقدس مظلومانه ترین قهرمانان قربانیان استبداد به برگ و بار نشسته و بعد از این از دل خود باید به آفاق نور دهیم که به خورشید رسیده ایم و غبار آخر شده است. قصیده خوان ظفر باید بهاریه را بسر آید و مقدم عدالت را گرمی داشته و حاکمیت قانون را جشن بگیریم بر نقش پوسیده تبضیات نژادی، فرقه ای و گروهی بلخی وار پا نهمیم. ویژه نامه اشرف غنی کانه از اوادنی گذشته از قاب و قوسین عبور یافته و برای جامعه غنیمت و عزیز شمرده میشد همه و همه یعنی تمام طبقات و اقشار مختلف از همدیگر می پرسیدند که این ویژه نامه حاصل تراوشات خرد دانشگاهیان است باید به آن وقعی گذاشت و اندیشه خویش را باید مستعد ساخت تا توانایی شنیدن پیام خرد دانشگاهیان را داشته باشیم: تا نگریدی آشنا زین پرده رمزی نشنویی گوش نا محرم نباشد جایی پیغام سروس دانشگاه، مرکز خرد مداری و عقل محوری است. حوزه فقهی و اصول نیست که نقل مدار و حدیث محور باشد و بعد بگوییم که ساکنین قریه بالا یعنی حوزه فقهی بر اساس فتوا و با مبانی فقهی و دید نقل گرایانه وارد حوزه سیاست شده اند. شاید اینها بلغزند همان طور

که مرحوم فضل الله نوری، مرحوم میرزا نائی و آخوند خراسانی نتواستند جهت گیری های کارشناسانه سیاسی گرفته و سیاست های خلاق و مبتکرانه داشته باشند. اما این واژه نامه نویسان داروغه گان شهر دانشگاه بوده و چشم و چراغ کشور می باشند، کشور فلک زده ای ما چشم به قلم اینها و گوش به سخن اینها دارند. مگر نمی بینی وزنه ای جهانی اساتید محترم دانشگاه را که در مصاحبه های تلویزیونی زیر نویس می شود آغای فلانی استاد دانشگاه این عنوان هم نان است و هم نام و هم شهرت. ویژه نامه ای اشرف غنی احمد زی حاصل تأملات و زحمات طاقت فرسایی این گروه می باشند که خدا هدایتش کند! آری! این ویژه نامه آنچه را که بر سر این مردم لاتعدوا ولا تحصى خواهد بود یعنی پیش بردن ارابه شیطان همین!!!

پاره دوم

کار نامه درخشان ریاست جمهوری اشرف غنی چهره ای برگزیده کتله ای از استادان دانشگاه که هر یکی از استادان از خدا می خواستند: یارب از لطف ازل این قافله را بد رقه باد که از او خصم به دام آید و معشوقه به کام قابل توجه می باشد. اکنون این مردم می گویند خدا کرزی را بیمارزد با اشرف غنی چی کاری می توان کرد؟ آری! امروز عاشقانه سلامت کنند مرد! روز دیگر بین که زهر به کامت کنند مرد دیباچه را به نام تو آغاز کرده اند تا در شروع متن تمامت کنند مرد! راهی تو را شبانه به کج راه میکشند در این خیال خام که خامت کنند مرد! نان میخورند از اسم تو شاید به این سبب اصرار داشتند امامت کنند مرد! زیر سوال رفته نوایی امامت چیزی نمانده است حرامت کنند مرد! حالا که لحظه، لحظه صداقت نیاز ما است تقویم ها بسنده به نامت کنند مرد! هدف ارزیابی کارنامه اشرف غنی بود نظم مطلب بهم خورد شاید نوشته ما هم مثل حکومت اشرف غنی باشد به هر حال آقای اشرف غنی در حکومت داری ضعیف ترین فرد و ناتوان ترین آدم است تمامی آن چه را که در حکومت کرزی خلاء به حساب می آمد در دوران حکومت اشرف غنی قوت گرفت و مضاعف شد.

هدف از این نوشته پیامد تهیه و تدوین ویژه نامه است که اینک باگذشت هر روز محسوس تر می شود و نیز اشاراتی به خطاهای فاحش دولت صورت گرفت که بعد به تفصیل باز خواهیم کرد.

مسئولیت جوانان از نظر اسلام

■ سید عبدالله احسانی

آن کس که از خود نگذرد نام جوان بر وی منه

شرم است هر بی درد را بر خود نهد نام جوان

"شعید بلخی"

کنیم تا نسل جوان نسبت به این بخشی از وظایف خود باجدیت برخورد کرد به مسئولیت خود عمل نماید خود شناسی، خود سازی، خود باوری، عزت نفس از عوامل آسب زا مهمترین وظایف یک جوان در برابر خود است و باید با آنها اهتمام ورزد نخستین وظیفه یک جوان در برابر خود شناخت درست از خویشتن است و این که خود را چگونه که است بشناسد و درک کند لذا خداوند متعال در این زمینه می فرماید «یا ایها الذین آمنوا علیکم انفسکم» سوره مایده آیه ۱۰۵: ای کسانی که ایمان آورده اید مراقب خود باشید مراقبت از خود مفهوم عام دارد خود شناسی را

مسئولیت پذیری چیزی است بسیار مطلوب از نظر عرف جامعه، فرهنگ دینی و اجتماعی که آیات و روایات اسلامی بر آن تاکید کرده اند، هر انسانی باید به مسئولیت خود اهتمام ورزیده و ضمن شناخت آن به وظایف خویش عمل نماید هر چند وظیفه شناسی از هر کس شایسته و ضروری است ولی از نسل جوان اعم از دختر و پسر اهمیت بیشتری دارد چرا که جوان هم از توانایی های استثنایی بر خور دار است و هم توان انجام وظایف را دارد از میان مسئولیت های که جوان دارد به مسئولیت او در برابر خویش تن توجه و وظایف وی را در برابر خود بررسی می

عوامل مهم شکل گیری قدرت در حکومت های معاصر افغانستان

به قلم غلام علی صارم

نهایتاً امان الله همان گونه که با پشتیبانی علمای دینی بر سرپرستانت تکیه زد، همانگونه با مخالفت علمای دینی سلطنتش از بین رفت.

همینطور آمدن و رفتن حبیب الله کلکانی هردو با انگیزه قومی و مذهبی بود.

نادرخان با انگیزه قومی قدرت را بدست گرفت و با تکیه به دین و مذهب رقیب خودش حبیب الله کلکانی را از بین برد، او در حاشیه قرآنی که برای حبیب الله به اصطلاح امان نامه نوشته میگویند در خانواده حبیب الله موجود است. شورش های مجددی که در مناطق شمالی بوجود آمد نادر خان افراد جنگی جنوبی را با انگیزه قومی به شمالی سوق و آن مناطق را مورد تاراج قرار داده و هزاران انسان را به قتل رساند.

درحکومت پسرش ظاهر که در گام نخست عمویش هاشم خان و بعد شامحمد و بعد پسر عمویش داود قدرت را با عنوان صدارت به دست داشتند. اتکا به قدرت قبیله و مذهب عملاً مشاهده می گردد. موضوع رسمیت صرف مذهب تسنن در حکومت و نادیده گرفتن شیعیان کشور، تاسیس پشتو تولنه و توزیع زمین های مردم شمال به اقوام پشتون بهترین دلیل بر اثبات مدعا میباشد.

کمونیست هارا که اکثر تاریخ زنده این دوره هستند، اینها نیز فاشیست تر از هر فاشیست تاریخ عمل کردند.

در نتیجه میتوان گفت که: با مطالعه تاریخ میتوان حکم به این موضوع کرد که در تحکیم پایه های قدرت در همه اعصار مخصوصاً حکومت های معاصر کشور دوگزینه مهم (مذهب و قبیله) نقش مهم و اساسی داشته است و حتی در حکومت های همین دوره که به اصطلاح عصر الکترونیک نام دارد و دنیا بفرکر جوامع فراملیتی و فرامذهبی و فراصنعتی هستند، ما را افکار پوچ و گندیده فاشیسم و استبداد قبیله به گروگان گرفته است.

امیدوارم مطالعه این مختصر انگیزه ای شود برای مطالعه تاریخ کشور به جوانان و دانشجویان عزیز.

برای شرح بیشتر این مطالب دوستان میتوانند به منابع ذیل رجوع نمایند:

افغانستان در مسیر تاریخ «غبار» - افغانستان در پنج قرن اخیر «فرهنگ» افغانستان در پرتوتاریخ «کهزاد» سراج التواریخ «کاتب» فشرده تاریخ افغانستان «فاروق انصاری» بالاحصار کابل «کهزاد» افغانستان در قرن زده «رشتیا» رستم التواریخ «هاشم آصف» تاریخ احمدشاهی «محمود حسینی» عین الوقایع «یوسف ریاضی هروی».

تاامروز در ایران، پاکستان و هند زندگی می کنند.

او نیز این همه جنایات ضد بشری خود را رنگ مذهبی داده و با گرفتن فتوا از علمای اهل سنت عمل پست و شنیع خود را توجیه نمود.

او وقتی بزرگترین مصلی و اثر تاریخی کشور را در هرات بدستور انگلیسها تخریب کرد و پنجاه را نیز بدستور انگلیس واگذار نمود مردم این اعمال را بخود ذلت دانسته دست به شورش و تظاهرات زدند اما عبدالرحمن با گرفتن فتوا از چند ملای درباری و بزرگ مجددی ها مبنی بر لزوم تخریب مصلی، آتش قهر مردم را فرونشاند.

حبیب الله پسرش بمجریکه به قدرت رسید اضافه از چهار زن را که داشت طلاق کرد، او بخاطر جلب حمایت ملاها و مردم سنتی از جهاد حمایت کرد، برای ملاهای تبعیدی عفو عمومی اعلان کردو سید حسن گیلانی را که عبدالرحمن پدرش اجازه ورود به افغانستان را نداده بود در افغانستان سکنا داد.

برای اعضای خانواده اعم از کارمند و غیرکارمند معاش سالانه تعیین نموده و خان هایی که به نحوی با خانواده وابستگی داشتند و تعدادی هم از خوانین قبایل از پرداخت مالیات معاف بودند.

اوبا وجود عیاشی و بی بندوباری های که حدو اندازه نداشت، جمع آوری زندهای خوب صورت در حرم و تشکیل محافل عیاشی بحدی که حسادت ملکه را برانگیخته واو صورت چندین زن مظلوم را مسخ کرده و طفل چند زن را سقط کرد. از هر قوم و منطقه یک زن داشت، با وجود این همه فساد اخلاق او تظاهر به دین و مذهب می کردو همیشه این شعر را میخواند:

نزدخردشاهی و پیغمبری

چون دونگینند و یک انگشتری

امان الله خان پسرش با وجودیکه دم از تجدد و تمدن میزد در تحکیم پایه های قدرت خود در نخستین روز های بقدرت رسیدن در گام نخست ملاهایی چون فضل محمد و فضل عمر مجددی و بعداً نورالحقایی و شمس الحقایق، مولوی فضل الحق، مولوی محمد جان، مولوی عبدالواسع قندهاری مولوی حمید الکوزایی از او حمایت کردند.

همچنان دیدار با قبایل مخصوصاً آنسوی خط دیورند و پشتیبانی از شورش های قومی و... اتکای او را به قبیله روشن می نماید. وقتی تعدادی از مخالفین را حکم به اعدام داد، یکی از وزراء گفت که اگر اینها محاکمه شوند بهتر خواهد بود، امان الله در جواب گفت: مگر نمیدانید که من نواسه عبدالرحمان خان هستم؟

می فرماید «قد افلح من زکها» سوره شمس آیه ۹: به تحقیق رستگار میشود کسی که نفس خود را تزکیه کند. سعادت و رستگاری از نظر قرآن کریم مخصوص تزکیه شده گان است و کسانیکه آلوده به معصیت هستند راهی به سوی رستگاری ندارد بیشک زندگی عزت مندانه خواست همه جوانان بوده و هر جوان می خواهد با عزت و سر بلندی در جامعه زندگی کند زندگی آبرومندانه ارتباط عمیق با عزت نفس و خود سازی و خود شناسی و دین مداری دارد. امام محمد باقر می فرماید «المومن اصلب من الجبل الجبل یثقل منه و المومن لا یثقل من دینه شیء» حضرت می فرماید: جوان مومن سخت تر از کوه است زیرا از کوه چیزی جدا می شود ولی از دین مومن و جوان

بدست گرفت.

—احمد شاه ابدالی: انتخاب احمدشاه ابدالی نیز با انگیزه مذهبی و قومی بود، انتخاب در جرگه که همانا یک ساختار قبیله است و انتخاب هم بوسیله صابرشاه کابلی (بعضاً لاهوری) پسر استاد لایخور که یک روحانی مورد احترام همه اقوام قندهار بود صورت گرفت.

احمد شاه در دوران حکومت خود لقب خان ملا یا مابلایی را به یکی از روحانیون داد که درواقع همان منصب قاضی القضاات امروز است و اکثر موارد از ایشان کمک میخواست و فتاوی احمدشاهی را بوسیله ایشان بوجود آورد که تا عصر عبدالرحمن خان مرعی الاجرا بود. در جنگ ها همیشه از خان های قبایل کمک میخواست و لشکر کشی ها را بوسیله آنها اداره میکرد. حتی در مورد کار های داخلی، زمانی که شهر احمدشاهی را آباد می کرد دیگران وقتی از دادن زمین ابا ورزیدند او به قوم پوپلزیایی که خود وابسته به آن بود رجوع و آنها هم او را کمک کردند.

بالاخره درنحوه بقدرت رسیدن و ادامه قدرت او بجز همین دو گزینه (مذهب و قبیله) گزینه موثر تر دیگر را نمی یابیم. درعصر حکومت تیمور شاه پسرش این گزینه ها تضعیف گردیدند؛ زیرا او با توجه به اینکه در کنار علما و دانشمند و شاعران نامدار و بزرگ هرات رشد کرده بود چندان سرسازگاری با خوانین و اربابان نداشت و به همین علت بود که بخاطر شکستن قدرت بی حد خوانین پایتخت را به کابل منتقل نمود.

نوت: البته در انتقال پایتخت دلایل دیگری هم وجود دارد اما شاخص ترین موضوع همین است.

پسران تیمور با وجود اینکه سالها کشور را با قدرت طلبی های خود گرفتار بحران و آشوب کردند، نقش گزینه های مذهب و قوم در همه دوره ها مخصوصاً عصر محمود به مشاهده میرسید و در همین دوره ها حتی یک سلسله جنگ های مذهبی را نیز تاریخ گواهی میدهد که یک نمونه فتوای میرواعظ علیه شیعیان و دستور قتل عام آنها میباشد که آغاز جنگ و آشوب هم در همین کابل بوده است.

در پادشاهی عبدالرحمن خان برجستگی هردو مورد فوق الذکر را بصورت خیلی آشکار می بینیم.

عبدالرحمن با کینه ای که از چند لحاظ با مردم شیعه و هزاره داشت، جنگ را علیه این مردم آغاز کرد و طی سه سال ۶۲٪ مردم هزاره را به قتل رساند، دهها هزار تن را اسیر و به عنوان برده در کابل و قندهار و بیرون ار کشور بفروش رساند، هزاران تن دیگر را نیز آواره ساخت و

بررسی عوامل مهم شکل گیری قدرت درحکومت های معاصر افغانستان، یک بحث طولانی را ایجاب می نماید، ولی از آنجاییکه ما در پی نگارش مقاله مختصر در این زمینه هستیم ناگزیریم که رئوس مطالب را خدمت دوستان و علاقه مندان به تاریخ افغانستان ارائه نموده و شرح مفصل مطالب را در کتب تاریخ مربوطه آدرس بدهیم.

اینرا نیز باید اذعان داشت که در افغانستان حکم به صحت و ثقم موضوعات تاریخی نهایت مشکل است، زیرا گردانندگان اصلی قدرت هیچگاهی اسناد و شواهد تاریخی را که در اختیار داشتند بدسترس مردم و نویسندگان و پژوهندگان قرار نداده اند و از طرفی بقول علمای تاریخ که تاریخ هرروز در همان روز باید نوشته شود، اگر برای فردا موکول شد یقیناً تحریف می گردد. بناء در نگارش مسایل تاریخی در افغانستان باید نهایت احتیاط را در نظر داشت.

آنچه را در پیوند به عنوان انتخاب شده در ذیل مطالعه می فرمایید، مطالبی استکه از لابلای کتب تاریخی کشور که اسم همه خدمت ارائه خواهد شد بدست آمده است.

در یک بررسی و نتیجه گیری کلی اذعان میداریم که در شکل گیری قدرت در حکومت های معاصر افغانستان جدا از دیگر عوامل دوعامل بیشترین اثر را داشته است و آن عبارت است از: مذهب و قومیت که در دوره های مختلف با مختصر توضیحی خدمت ارائه می گردد.

—عصر حکومت میرویس خان: میرویس خان هوتکی زمانی اقدام به بدست آوردن قدرت نمود که قندهار تحت تسلط حکومت صفوی و بوسیله فرمانده گرگین اداره می شد. درهمین دوره میرویس خان تبعیداً به مرکزپادشاهی فرستاده شد اما اوبجای اینکه زندانی شود با درایتی که داشت آزاد ماند و از همانجا به سفر حج رفت. در مکه معظمه علمای اهل سنت را جمع و از ظلم حکومت صفوی با آنها صحبت و کتبا فتوای جهاد را علیه حکومت شیعه مذهب ایرانی گرفت.

هنگام بازگشت زمانی که گرگین خواست با میرویس ارتباط نزدیک داشته باشد، دخترش را به پسر خود خواستگاری نمود، اما میرویس به قوم خود پناه برده و این را بخود ننگ و ذلت تلقی کردند. البته باوجودیکه ایشان دختری از خدمتگاران را به او فرستادند بآنهم اقوام خود را جمع نموده و فتوای علمای مکه را به ایشان نشان داد و مردم را به قیام علیه گرگین دعوت نمود. و بالاخره گرگین را با همین دو انگیزه مذهبی و قومی کشته و حکومت را

مسئولیت جوانان از ...

نیز شامل می شود یعنی جوان باید هم خود را بشناسد وهم از خود مراقبت نماید چون تا خویش را نشناسد و اهمیت خود را درک نکند در صدد مراقبت از خود بر نمی آید و حضرت علی (ع) می فرماید «اتزعم انک جرم صغیر و فیک انطوی العالم الاکبر» آیا تو می پنداری که موجود ضعیف و ناچیز هستی قطعاً چنین نیست بلکه وجود تو نماد از عالم بزرگ و جهان هستی است جوان نیاید خود را کوچک بشمارد توجه جوان به ویژه گی ها و استعداد های درونی شان و اینکه چه رمز و رازی در وجودش نهفته

متدین چیزی کم نمی شود جوان با ایمان در برابر معصیت مثل کوه استاده می شود نه پول و سرمایه نه قدرت و جاه، نه زرق و برق دنیا او را از مسیر دین منحرف نمی تواند آخرین جمله ای که جوان علاوه بر تزکیه و خود شناسی و خود سازی دارد این است که امام صادق (ع) می فرماید «لو اتیت شاب من شباب الشیعه لا یتفقه فی الدین لادبه» امام جعفر صادق(ع) می فرماید: اگر جوانی از جوانان مسلمانان را بیابم که در پی دین شناسی نباشد او را تنبیه می کنم.



توجه

تو چه موجود خدایی، تو چه دردی چه دوایی
 که همه آیت عشقی که همه لطف و عطایی
 مگر از قوم بهشتی، مگر از شهر حوایی
 که سراپای عزیز می که مراد دل مایی
 نه که معبود زمینی، نه که آرایشی عرشی
 که در الفاظ نگنجی، که در اندیشه نیایی
 دو جهان رحمت عرشی، دو جهان بخت بلندی
 دو جهان نور و نوازش، دو جهان شهد و شفایی
 همه قدسیت کعبه، همه اعجاز و پیامی
 تو مسیحی، تو کلیمی، تو محمد، تو خدایی
 به مثل خانه ای شعری به مثل تنگ شرابی
 که به جان و دل عاصی، نه بمانی نه برایی



این کشور چاپ شد و غالباً نیز با پشتکار محمدحسین جعفریان شاعر ایرانی و دوست عاصی همراهی می شد. اما مدت کوتاهی پس از اقامت عاصی در مشهد، مقامات ایرانی اجازه ماندن به او ندادند و شاعر آواره افغان، نومیدانه روانه کشور شد، در حالی که این بیت حافظ را به دوستش فرهاد دریا (آواز خوان افغان) نوشته بود: "غم غربی و غربت چو برنمی‌تایم - به شهر خود روم و شهریار خود باشم". (عاصی و دریا از کابل با هم رابطه ای نیک داشتند. فرهاد بسیاری از شعرهای عاصی را با آهنگ خوانده است و آخرین کتاب عاصی نیز به همت او چاپ شد). قهار عاصی مشهد را به قصد هرات و سپس کابل ترک کرد، با همسرش میترا و تنها فرزندش مهستی. بسیار از آن زمان نگذشته بود که خبر درگذشت او از اثر انفجار هاوان در کارته پروان کابل، در همه جا پخش شد. "مقامه گل سوری"، "لالایی برای ملیمه"، "دیوان عاشقانه باغ"، "غزل من و غم من"، "تنها ولی همیشه"، "از جزیره خون" و "از آتش از ابریشم"، شش مجموعه شعر عاصی است و "آغاز یک پایان" خاطرات اوست از جریان سقوط کابل به دست مجاهدین و جنگهای داخلی نوشته است.

قهار عاصی شاعر درد های مردم

دردمند، اهل موضعگیری و صراحت بیان. به همین لحاظ، غالباً با مسایل افغانستان درگیر بود و کمتر اتفاقی در کشورش افتاد که عاصی از کنارش با سکوت گذشته باشد. ولی او با این همه موضعگیری، روحیه ای تغزلی نیز داشت. از او شعرهای عاشقانه لطیفی بر جای مانده است. گاهی در شعرش آمیختگی زیبایی از لحن حماسی و تغزلی هم دیده میشود که خاص خود اوست. جنگها، عاصی را همچون بسیاری دیگر از افغانها وادار به مهاجرت کرد و او از میان کشورهای دور و نزدیک، ایران را برگزید. شاید میخواست حال که از میان هموطنان بیرون رفته است، از میان همزبانان نرود. حضور بعضی دوستان شاعر افغان و ایرانی او در این کشور نیز این انتخاب را تقویت میکرد. چنین شد که در بهار ۱۳۷۳ خورشیدی با خانواده اش به ایران کوچید و در مشهد اقامت گزید. عاصی در ایران، هم برای ایجاد ارتباط میان شاعران مهاجر و مقیم آن کشور کوشید و هم آثاری تألیف کرد که به صورت کتاب و مقاله در

قهار عاصی در سال ۱۳۳۵ خورشیدی در روستای ملیمه پنجشیر دیده به جهان گشود. عاصی دوره اول ابتدائیه را در پنجشیر خواند و همراه با خانواده اش به کابل آمد و در شهر کهنه کابل اقامت گزیده و شامل مکتب ابوریحان البیرونی شد. قهار عاصی از مکتب به درجه عالی فارغ گردید. واز رشته زراعت از پوهنتون کابل لیسانس گرفت. و در چهارم میزان سال ۱۳۷۳ در شهر کابل در جریان جنگ داخلی میان گروه های مجاهدین کشته شد. او شاعری پرکار بود و ظرف سالهای محدودی که با جدیت به شعر پرداخت تقریباً هر سال یک مجموعه را روانه بازار کرد. از عاصی به دلیل نوآوری ها و عاطفی بودن شعرهایش به عنوان شاعر دردهای مردم یاد می کنند و شعرش را ارج می نهند. عاصی شاعری بود نوگرا که حتی در قالبهای کهن نیز حرف و حدیث تازه ای داشت. پرکار بود و با خود وعده ای داشت که هر سال، یک کتاب شعر به بازار روانه کند، و تا دم مرگ به این وعده عمل کرد. عاصی ذاتاً شاعری بود

زن و افتخارات ...

هم داریم که زن را انسان نمی شمارند، اما نمی دانیم که خودشان را که از زن تولد شده اند، روی کدام اساس و دلیل انسان خطاب می نمایند؟

توضیح:

توضیح را می خواهیم با چند سوال و جواب آغاز نمایم:

سوال: آدرس بهشت کجاست؟

جواب: حضرت پیامبر اکرم (ص) بهشت را چنین آدرس داده است:

الجنة تحت اقدام امهاتکم (بهشت زیر قدم های مادران شما است.)

یعنی اگر کسی، چه زن باشد یا مرد، آرزوی رفتن به بهشت را داشته باشد، زمانی برایش میسر خواهد شد که او با کمال تواضع و فروتنی، خودش را فرش قدم های مبارک مادرش بسازد، در غیر آن صورت، هرگز بوی بهشت به مشامش

نخواهد رسید.

وای به حال کسانی که انسانیت مادران خود را که حق مسلم و حیثیت طبیعی آن ها است را بیایند انکار ورزند!!!

سوال: زن کیست؟

جواب: زن، انسان است،

زن، بر علاوه انسان بودنش، در قبال خانواده و جامعه اش متعهد و مسئول هم هست،

مسئولیت زن چنان وزین و سنگین است که نمی توان مسئولیت های دیگر را با آن به مقایسه گرفت.

زن، مثل مرد موجودی دو بعدی، یعنی نیمه خاکی و نیمه ملکوتی است، زن، امانت و عینیتی است از جانب خداوند تبارک و تعالی (ج) در نزد مرد.

زن، نیمی از پیکره جامعه انسانی است.

زن، تکمیل کننده ایمان مرد است.

زن، موجودیست مملو از لطف، صفا، اخلاص و عاطفه.

زن، مربی ایست که در دامن پر مهر و محبت خود انسان را

تربیت و پرورش می دهد.

زن، دارای صفات والا و ارزشمند انسانی دیگری نیز می باشد.

و بالأخره زن، مادر است،

مادری که انبیاء عظام (ع)، اولیاء کرام، پیشوایان جامعه بشری و شخصیت های بزرگ و تاریخ ساز را در بطن و دامن خود پرورش و تربیت کرده است.

زن، مادر پرسخاوتی است که فرزندش را چه در داخل بطنش و چه در خارج از وجودش، با کمال ایثار و فداکاری از خون پاک و شیرۀ جانش تغذیه نموده و به رشد، کمال و بالندگی رسانده، به عنوان انسان به جامعه تقدیم می دارد.

و سرانجام، برخلاف ستیزه جویان متعصب طالبانی، با اندیشه های منحن سلفیت، سفیائیت، وهابیت و دیوبندیت که زن را از دائرة انسانیت خارج قلمداد می کنند، با استفاده از فرمایش دربار حضرت پیامبر گرامی اسلام (ص) باید در یک جمله کوتاه خلاصه تعریفش کرد که: زن، کلید دار دروازه

بهشت است.

بنا بر تعبیر زیبای کلام الله مجید، خداوند تبارک و تعالی (ج) با خطاب بر فرزندان حضرت آدم (ع) و حضرت حوا (س) که درود خداوند و فرشتگان بر آنان باد، چنین می فرماید:

آی انسان!

آی فرزندان آدم و حوا!

(در هر مقطعی که قرار دارید بدانید و آگاه باشید که ما شما را از یک مرد و زن (از وصلت یک مرد و زن) آفریدیم و آنگاه شما را شعبه شعبه، قبیله قبیله و طائفه طائفه ساختیم تا یکدیگر تان را خوب بشناسید و نسبت به همدیگر معرفت حاصل نمایم.

به تحقیق که گرمای ترین، عزتمند ترین و پر افتخار ترین شما در نزد خداوند سبحان (ج) همانا با تقوا ترین شما است.

به درستی که خداوند (ج) دانا و از حال تان آگاه است (۱)

(۱) - سورة مبارکه حجرات، آیه (۱۳)

جواب استاد مولوی حبیب الله حسام به مخالفین تجلیل از نوروز

حرف نخست: از نظر شریعت محرمات شرعی مقید به زمان و مکان نیست، مرتکب حرام شرعی در نوروز، عیدین و جمعه و حرمین و ماه های حرام در سرزمین های حرام و مساجد و غیره باعث حرمت زمان و مکان مقدس نمی شود و مرتکب حرام مرتکب گناه عظیم شده مطابق منازل و مراتب حرام گناه کار خوانده می شود، بنابراین مبادرت به حرام در نوروز مبادرت به منهیات شرعی است و به این قضیه همه امت اتفاق دارند، شک تردیدی در آن نیست.

حرف ثانی: بدون تردید در نوروز برخی اشخاص مرتکب معصیت های مختلف می شوند؛ آیا ممکن است هر زمان و مکانی که مردم در آن معصیت نمایند زمان و مکان را به دلیل منجر و مفضی شدن به حرام؛ حرام اعلام بداریم آیا کدام دلیل شرعی داریم باید روشن بیان شود؟

حرف ثالث: فقط تنها چیزی که در مملکت به عنوان یگانه مجرم و محکوم به تحریم و تکفیر و تفسیق است و به آن اولویت برده می شود سال نو هجری شمسی و زایش و بهار طبیعت است، تمام کفر و شرک در همین مساله است زیرا

مولوی حبیب الله حسام
منبع: ۱. خبرگزاری شفقنا افغانستان
۲. خبرگزاری رشد
۳. خبرگزاری دید

انتخابات روزنه امید ...

باشند تا قانونی که در این جوضع می گردد متضمن سلامت آینده مردم و کشور باشد، نه اربابانی که سالها رزق و روزی خود را از تفرقه و نفاق مردم و نوکری به کشور های بیگانه تهیه کرده اند.

آنچه را به مردم خود با صراحت می گوئیم این است که: هر کاندیدی که اقدام به توزیع مواد خوراکی، لباس و پول نمود یقین داشته باشید که خائین بوده و اینکار را به قصد خیانت به سرنوشت و آینده شما و فرزندان شما می نماید. آنها با اینکار چنان زبان شما را می بندند که فردا اگر خواستی داشتید بشما بگویند که رای تانرا خریده و شما را متهم به معامله گری و سوء استفاده از حق رای تان هم می نمایند.

باید به کسانی رای داد که واقعا درس خوانده و تحصیل کرده اند نه آنانیکه با استفاده از صلاحیت های وظیفه ای یا پول ویا... اسناد تحصیلی بدست آورده اند.

وقتی در تعیین و انتخاب، شایستگی، میزان علم و تحصیل در نظر گرفته شد آنگاه استکه انتخابات به روزنه امید برای آینده روشن و مترقی تبدیل خواهد شد.

پیشنهادی هم به کمیسیون انتخابات داریم که در قسمت ارزیابی کاندیداتوران همانگونه که از لحاظ تابعیت، سابقه سوء، سند تحصیلی ارزیابی می شوند، از لحاظ لیاقت، تعهد به اهداف ملی و قانون اساسی کشور مخصوصا توان علمی جدا مورد ارزیابی قرار گیرند زیرا همه میدانند و میدانیم که با کمال تاسف اخیراً به اسناد تحصیلی آنهم درمقاطع مختلف خیانت صورت گرفته است.

امیدواریم انتخاباتی که این بار با سرمایه هنگفت کشور برگزار می گردد از دستخوش حوادثی همچون تقلب، اعمال فشار و روی کار آمدن افراد بدر نخور درامان بوده و انتخابات در زمان معین برگزار گردد و مردم بیش از این نسبت به این پروسه ملی و دموکراتیک بی باور نشوند.

حرف نخست: از نظر شریعت محرمات شرعی مقید به زمان و مکان نیست، مرتکب حرام شرعی در نوروز، عیدین و جمعه و حرمین و ماه های حرام در سرزمین های حرام و مساجد و غیره باعث حرمت زمان و مکان مقدس نمی شود و مرتکب حرام مرتکب گناه عظیم شده مطابق منازل و مراتب حرام گناه کار خوانده می شود، بنابراین مبادرت به حرام در نوروز مبادرت به منهیات شرعی است و به این قضیه همه امت اتفاق دارند، شک تردیدی در آن نیست.

حرف ثانی: بدون تردید در نوروز برخی اشخاص مرتکب معصیت های مختلف می شوند؛ آیا ممکن است هر زمان و مکانی که مردم در آن معصیت نمایند زمان و مکان را به دلیل منجر و مفضی شدن به حرام؛ حرام اعلام بداریم آیا کدام دلیل شرعی داریم باید روشن بیان شود؟

حرف ثالث: فقط تنها چیزی که در مملکت به عنوان یگانه مجرم و محکوم به تحریم و تکفیر و تفسیق است و به آن اولویت برده می شود سال نو هجری شمسی و زایش و بهار طبیعت است، تمام کفر و شرک در همین مساله است زیرا

آیات حدود و حجاب و... بانوی اول مملکت اسلامی می شود و مستحق اطاعت واجب الاحترام و اما بهار طبیعت و خوشی آن حرام و کفر.

۷- عقد پیمان راهبردی و غلامی با استعمار مثل امریکا ضرورت و به نفع مملکت و ملت خوانده می شود اما نوروز بهار حرام و کفر.

۸- عقد پیمان امنیتی با امریکا دادن پایگاه نظامی به استعمار صواب و ضرورت و دارای مصالح و منافع علیا در مملکت اما بهار کفر.

۹- انفجار و تخریب جاده ها و پل های عمومی و تاسیسات برق و آب و مکتب و مسجد و ساختمان های دولتی و مردمی جایز و واجب و بهار کفر و حرام.

۱۰- گوشت های وارداتی مرغ و نرمی از کشورهای کفری حلال و جایز و نوروز وارداتی مجوسی و کفر می شود.

۱۱- بانک های ربوی و سودی و درحقیقت اعلان جنگ با خدا جایز و صواب پنداشته می شود اما تجلیل از بهار سال کفر.

۱۲- رقصیدن زنان در شبکه ها، برهنگی و بدحجابی زنان و خلط زنان و مردان در ادارات دولتی و صنف های تعلیمی و تربیتی و سفر زنان بدون محرم و ایجاد خانه های امن به زنان به هدف ترویج بی حیایی جایز اما جشن طبیعت کفر.

۱۳- تاسیس شورای سراسری علما به معاش کانگریس امریکا به هدف توجیه سیاست امریکا و دولت کابل جایز اما سال نو کفر.

۱۴- معاشات دالری از سفارت انگلیس و امریکا و آلمان و یونما و قوای ناتو و موسسات حامی حقوق بشری و تشریری جایز، جشن بهار مردود و کفر صریح.

۱۵- تدوین نصاب تعلیمی و تحصیلی عاری از روحیه اسلامی و اخلاق اسلامی و بدون ارزش های جهادی جایز و اما خوشی بهار کفر.

۱۶- تنقیص ساعات درسی ثقافت اسلامی در تحصیلات عالی کشور جایز و سرور مردم بخاطر بهار سال کفر.

۱۷- تعدیل قوانین و تصویب قوانین ضد شریعت اسلامی و تغییر جزایی حدود و تأیید قانون منع خشونت علیه زن در مخالفت صریح باقران و شریعت جایز اما خوشی از حیات دوباره طبیعت کفر.

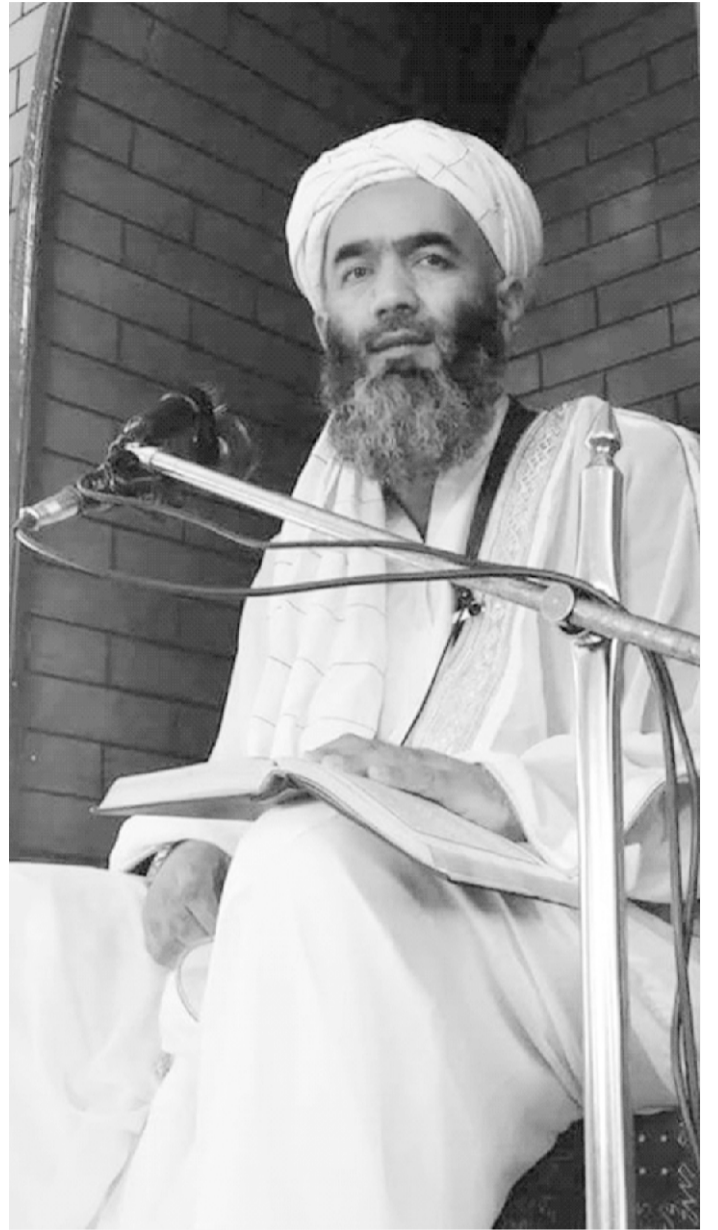
۱۸- انتقال دختران مکاتب به امریکا و موسسات خارجی به شرط از ۱۸ سال پایین باشد جایز اما نوروز ملعون.

۱۹- رشوت و فساد اخلاقی در ادارات و معامله گری ها و تجارت به اساس رشوه ستانی و جعل و تقلب همه جایز اما نوروز کفر.

۲۰- تبعیض و عصبیت قومی و نفاق افگنی میان مردم مسلمان و دین ستیزی دین گریزی و خون ریزی جایز اما نوروز تان شرک و کفر.

۲۱- ۸ مارچ روز زن و روز معلم و . . . حلال و جایز و روز مادر همچنان اما نوروز حرام است.

تذکر:



نمی خواستیم در این زمینه چیزی بنویسیم اما غوغای یک عده بی سواد زیر نام عالم که متأسفانه به ده ها امر حرام مبتلا هستند و می خواهند در کج بحثی و بازی بالفاظ بزرگ نمایی و فضل فروشی نمایند و جامعه را اغوا کنند بنا براین از روی ناگزیری چند سطر نبشته نمودم:

۱- قیام و جنگ به ضد مجاهدین و دولت اسلامی به رهبری استاد برهان الدین ربانی واجب و اطاعت از اشرف غنی لایبک و سکولار به عنوان سایه خدا در زمین واجب و لازم و نوروز حرام و کفر.

۲- ترور و قتل سران مجاهدین جایز و واجب و انتقال زنان مسلمان به پاکستان و سوختن تاک و باغات شمالی و قتل عام مردم جایز و نوروز خوشی در جشن طبیعت حرام و مجوسی.

۳- ترور احمدشاه مسعود و ترور استاد ربانی و حاجی عبدالقدیر و مولانای عبدالرحمن سیدخیلی و داوود داوود و خان محمد خان و ملک زرین و دکتر عبدالله مباح ساختند خون هزاران مسلمان و مجاهد جایز و واجب اما سال نو هجری شمسی حرام و کفر.

۴- انفجار و انتحار در میان مردم مسلمان شهادت طلبی و ترور و قتل مردم عام در شهرها و قرا و قصبات و قتل کارمندان دولتی و معلمان مکاتب و مریضان و مجروحان در شفاخانه و کمک کنندگان صیلب سرخ و دیگر امدادگران واجب و یا جایز اما خوشی در بهار کفر.

۵- بابه غنی سکولار و بی دین متفکر دوم جهان و مستحق ریاست جمهوری کشور جهادی و هرکس برایش رای ندهد انگشتانش بریده می شود و هرکس به تیم مخالف رای بدهد اعدام می شود کار اسلامی و جهادی و اما خوشی بهار مجوسی شدن.

۶- خانم رولاغنی مسیحی دیانت و صلیبی فکر و دین ستیز مروج عربانیت و بی حجابی و بد اخلاقی؛ مدعی رد

تقدیر از ورزشکاران و فرهنگیان ولایت دایکندی



تاریخ دوم حمل ۱۳۹۷ در ولسوالی شهرستان محفلی به مناسبت آغاز سال جدید و تقدیر از ورزشکاران و همچنان قدردانی از همکاری های ریاست محترم حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان به ورزشکاران این ولایت تشکیل گردیده بود.

در ختم محفل به تعداد ۵۰۰ تن از ورزشکاران رشته های مختلف ورزشی حمایت و پشتیبانی خود را از حرکت اسلامی متحد افغانستان تحت ریاست مجاهد بزرگ استاد ابوالحسین یاسر اعلام نمودند.

در ختم محفل بعد از سخن رانی جناب محترم توفیق توفیق رئیس شورای ولایتی حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان در ولایت دایکندی ضمن تقدیر و تشکر از

اعلان پیشتانی ورزشکاران و فرهنگیان ولایت دایکندی تحایف و جوایزی که برای ورزشکاران برتر در نظر گرفته شده بود توزیع گردید.

همچنان به تاریخ ۳ حمل محفل باشکوهی از جانب مسوولین ومنسوبین حزب تشکیل گردیده از اساتید محترم که در کورس های زمستانی زحمات زیادی را جهت ارتقای سطح دانش، دانش آموزان آن ولایت متقبل گردیده بودند تقدیر به عمل آمد.

اساتید و دانش آموزانی که در ایام تعطیلات زمستانی برای شان زمینه تحصیل و آموزش فراهم شده بود از حزب حرکت اسلامی متحد و رهبری آن جناب استاد یاسر تشکر نموده و اعلان همکاری نمودند.

انفجار یک موتر بمب گذاری در هلمند ۱۵ شهید و ۵۱ زخمی بجا گذاشت

«عمر زوک» فرماندار هلمند گفته که حادثه شامگاه جمعه در زمان خروج تماشاچیان از محل برگزاری یک مسابقه کشتی رخ داده است.

وی در گفت و گو با خبرنگار ایرنا تصریح کرد که تمامی قربانیان انفجار امروز غیر نظامی هستند. مجروحان این حادثه به بیمارستان انتقال یافته و وضعیت برخی از آن ها وخیم گزارش شده است.

هنوز هیچ فرد یا گروهی مسئولیت این بمب گذاری را بر عهده نگرفته است.

انفجار امروز در شرایطی رخ می دهد که کابل پایتخت افغانستان هم روز چهارشنبه شاهد حمله یک مهاجم انتحاری به جشن سال نو بود که در جریان آن ۳۳ کشته ۶۶ تن دیگر زخمی شدند.

البته این آمار از منابع دولتی است که دقیقاً قابل اعتماد نمیباشد زیر منابع دولتی هیچگاهی اخبار دقیق را در اختیار رسانه ها قرار نمی دهد.

تهدیدات امنیتی در غرب کابل

از چندسال بدینسو، غرب کابل تبدیل به میدان سرخ و خونین شده است.

درست است که بخشی از عوامل کشتار سرنخ بیرونی و استخباراتی دارد، اما بخش دیگر عوامل و انگیزه های این همه فاجعه، ریشه در داخل و نوع نگاه حکومت دارد. حکومتی که با وجود حساسیت این نقطه کابل و هشدار های تروریست ها هنوز هم تهدیدات امنیتی هراس افکنان را جدی نمی گیرد و جلو حادثه را پیش از وقوع نمی گیرد. بدون شک که شریک دزد و رفیق قافله است. از مدتها بدینسو، مساجد، مکاتب، نهادهای آموزشی و سایر مراکز عامه با تهدید داعش و سایر سازمان های خون آشام مواجه است؛ اما نهاد های امنیتی برای رفع نگرانی ها اقدامی نکرده اند و همچنان بی توجهی می کنند.

رویداد خوانین، مساجد باقرالعلوم، الزهراء، امام زمان و اخیراً محفل روز نوروز در سخی نشان داد که دشمن برای جاری کردن سیل خون از کوچک ترین فرصت، بهره برداری کرده و مردم را می کشند، با این وصف، بی توجهی به تامین امنیت غرب کابل، اوج بی مسئولیتی حکومت را نشان میدهد. اکنون غرب کابل زیر پوشش امنیتی مناسب نیست،

خفاش های خون آشام در هرسوی آن چشم به کشتار مردم دوخته اند و هر لحظه بیم وقوع یک فاجعه است. سران حکومت فعلی (بویژه آنانی که برای مردم این بخش کابل به نان و نوایی رسیده اند) باید بی خاصیتی شانرا کنار بگذارند و بیش از این با سرنوشت مردم معامله نکنند.

رویداد خوانین، مساجد باقرالعلوم، الزهراء، امام زمان و اخیراً محفل روز نوروز در سخی نشان داد که دشمن

برای جاری کردن سیل خون از کوچک ترین فرصت، بهره برداری کرده و مردم را می کشند، با این وصف، بی توجهی به

تامین امنیت غرب کابل، اوج بی مسئولیتی حکومت را نشان میدهد. اکنون غرب کابل زیر پوشش امنیتی مناسب نیست،

خفاش های خون آشام در هرسوی آن چشم به کشتار مردم دوخته اند و هر لحظه بیم وقوع یک فاجعه است. سران حکومت فعلی (بویژه آنانی که برای مردم این بخش کابل به نان و نوایی رسیده اند) باید بی خاصیتی شانرا کنار بگذارند و بیش از این با سرنوشت مردم معامله نکنند.

رویداد خوانین، مساجد باقرالعلوم، الزهراء، امام زمان و اخیراً محفل روز نوروز در سخی نشان داد که دشمن



خفاش های خون آشام در هرسوی آن چشم به کشتار مردم دوخته اند و هر لحظه بیم وقوع یک فاجعه است. سران حکومت فعلی (بویژه آنانی که برای مردم این بخش کابل به نان و نوایی رسیده اند) باید بی خاصیتی شانرا کنار بگذارند و بیش از این با سرنوشت مردم معامله نکنند.

پاکستان در مبارزه با تروریسم علاقمندی ندارد

نکرده ایم و در راهبرد آنها هم کدام تغییری رونما نشده است. در بخش مبارزه با دهشت افگنی تفاوت بسیار زیاد موجود است و بدبختانه این یک حقیقت تلخ است.» آقای اتمر از طالبان خواست تا از دفتر قطر برای گفتگو های صلح استفاده کنند، نه برای جنگ.

وی افزود که برخی کشور ها از هراس افگنی هنوز هم تعریف دوگانه دارند و به همین دلیل در برابر داعش از طالبان پشتیبانی میکنند.

حنیف اتمر میگوید که پاکستان تا حال برای مبارزه با تروریسم و روند صلح افغانستان هیچ اقدامی نکرده است. به گزارش اسپوتنیک به نقل از آریانا نیوز، محمد حنیف اتمر، مشاور شورای امنیت ملی در نشست در انستیتوت صلح امریکا اظهار داشت که پاکستان تا حال برای مبارزه با هراس افگنی و روند صلح افغانستان هیچ اقدامی نکرده است.

اتمر: «با تاسف که ما از پاکستان هیچ پاسخ مثبت دریافت

اتمر تعداد داعشیان تروریست را در افغانستان اعلان کرد



مشاور امنیت ملی افغانستان گفت: اکثریت این افراد اجیران پاکستانی و همچنان افغان ها است، اما در اصل گروه داعش در افغانستان شاخه "جنش اسلامی ازبکستان" که متعهد به گروه تروریستی دولت اسلامی است، می باشد.

محمد حنیف اتمر، مشاور امنیت ملی کشور به خبرنگاران اعلام کرد که شمار تروریستان گروه داعش در افغانستان حدود ۳ الی ۴ هزار نفر می باشد. اتمر گفت: «ما شمار آنها را از ۳ الی ۴ هزار نفر تخمین می زنیم. اکثریت اینها اجیران و مجرمین پاکستان اند، افغانها نیز وجود دارند، اما در اصل گروه داعش در افغانستان شاخه جنش اسلامی ازبکستان که متعهد به گروه تروریستی دولت اسلامی است، می باشد.

مشاور امنیت ملی کشور افزود: «تعداد عمومی جنگجویان خارجی در افغانستان حدود ۱۰ هزار نفر تخمین زده شده است. و

من چنانکه دیروز به آقای پاتروشف (سکرتر شورای امنیت روسیه) گفتم، این تهدیدی نیست که ما با تلاش های مشترک آنرا از بین برده نتوانیم. در حال حاضر تروریست ها از نبود همکاری میان بازیگران مهم در منطقه، استفاده می کنند.»